



بررسی الگوهای زبان‌شناختی اجتماعی گویش ترکی قزوین: بزهوشی در تأثیر متغیرهای اجتماعی بر تغییرات واجی

محمدحسین خانی^{۱*}

علی افخمی^۲

چکیده

زبان پدیده‌ای اجتماعی است و همزمان با شکل‌گیری اولین اجتماعات بشری شکل گرفته است. زبان‌شناسی اجتماعی که از درون گویش‌شناسی بیرون آمد، اساساً به پژوهش در مورد گفتار می‌پردازد. طی چندین دهه‌ای که از تاریخ این شاخه از زبان‌شناسی می‌گذرد، نشان داده است که توانایی تجزیه و تحلیل موضوعات مربوط به ارتباط بین زبان و اجتماع را دارد. ادبیات مربوط به آن، شامل سلسله‌ای از پژوهش‌ها در گوناگونی‌های زبانی است که با متغیرهای اجتماعی همبستگی دارند. این گوناگونی در گفتار در مقایسه با شکل نوشتاری زبان مشهودتر است و متغیرهایی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و موقعیت بر آن تأثیر می‌گذارند. در پژوهش حاضر، نویسندگان به بررسی تغییرات واجی در گویش ترکی قزوین، براساس تأثیرات ناشی از متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت پرداخته‌اند و با استفاده از روش مصاحبه و تعیین جمعیت نمونه، میزان همبستگی بین تغییرات واجی و متغیرهای اجتماعی مورد بحث را ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیر اجتماعی سن بیشترین تأثیر و جنسیت کمترین تأثیر را تغییرات واجی در این گویش دارند.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، سن، جنسیت، متغیر زبانی

✉ hossein_khani@alumni.ut.ac.ir

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده

مسئول)

✉ aafkhani@ut.ac.ir

۲- استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

۱- مقدمه

پژوهش در پدیده‌های زبان‌شناختی اجتماعی و الگوهای ناظر بر آن، میزان شناخت ما را از پدیده برقراری ارتباط و چگونگی تحقق آن در بافت‌های اجتماعی یک جامعه زبانی افزایش می‌دهد. زبان‌شناسی اجتماعی^۱ ریشه در جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی دارد و بنابر این بجاست که آن را رشته‌ای بینابینی بدانیم. اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که بین زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان^۲ تفاوت‌هایی موجود است. به‌عنوان مثال فیشمن^۳ (۱۹۷۲: ۷-۹) جامعه‌شناسی زبان را حوزه گسترده‌تری می‌داند که رویکرد آن به زبان بیشتر جامعه‌شناختی است، ولی زبان‌شناسی اجتماعی در حقیقت همان زبان‌شناسی است که در پژوهش‌های زبانی، بافت اجتماعی - فرهنگی را هم مدنظر قرار می‌دهد.

اگر در پی درک بهتر فرایندهای متعدد به‌کار رفته در مطالعات زبان‌شناختی اجتماعی باشیم، باید مختصراً به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه گویش‌شناسی ناحیه‌ای نظری بیافکنیم (واردهاف^۴، ۱۹۶۸: ۱۳۲).

گویش‌شناسی یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های زبان‌شناسی است که به تجزیه و تحلیل گفتار پرداخته است. تاریخچه گویش‌شناسی به میانه‌های قرن ۱۹ برمی‌گردد. به مدت یک قرن، شناخته شده‌ترین مطالعات زبانی مربوط به این حوزه می‌شدند (گیگلیولی^۵، ۱۹۷۲). گویش‌شناسان در پژوهش‌های اولیه خود سعی می‌کردند که گوناگونی‌های زبانی را به مناطق جغرافیایی مرتبط کنند. آنها با ترسیم نقشه‌های زبانی که خطوط همگویی مربوط به تلفظ، دستور و واژگان را نشان می‌داد، توانستند مناطق جغرافیایی که در هر کدام از آنها گونه‌های گفتاری معینی به‌کار می‌رفت را مشخص کنند و به تبع آن توانستند مناطقی را که از آنها تغییرات زبانی آغاز شده بودند، شناسایی کنند. گویش‌شناسان در پژوهش‌های اخیرشان به این نتیجه رسیدند که تغییرات و گوناگونی‌های زبانی تنها مربوط به تفاوت‌های جغرافیایی نیست و عوامل دیگری هم در این مسأله دخیلند. این دستاورد سبب شد، بسیاری از گویش‌شناسانی که به پژوهش در محیط‌های زبانی شهری علاقه‌مند بودند؛ توجه‌شان را به عوامل مختلفی مانند تحصیلات، شغل، مذهب، قومیت و ... معطوف نمایند. تجزیه و تحلیل‌هایی که با توجه به این عوامل و متغیرهای اجتماعی به عمل آمدند، بر اهمیت آنها در مطالعات زبان‌شناختی اجتماعی صحنه گذاشت (فیشمن، ۱۹۷۱).

با توسعه و گسترش سوادآموزی به زبان فارسی و همچنین، همه‌گیر شدن وسایل ارتباط جمعی بالاخص تلویزیون، زمینه از بین رفتن تدریجی زبان‌ها و گویش‌های غیررسمی فراهم شده است. این فرایند را می‌توان در تغییرات زبانی به‌وجود آمده در گفتار گویشوران زبان‌ها و گویش‌های غیررسمی مشاهده نمود. پژوهش حاضر، با توجه به تحقیقات صورت گرفته در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌شناسی شهری، به بررسی

1. sociolinguistics
2. sociology of language
3. Fishman
4. Wardhaugh
5. Giglioly

همبستگی میان تغییرات واجی در جامعه گویشوران ترکی شهر قزوین و متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت پرداخته است.

۲- زبان‌شناسی اجتماعی

ادیات زبان‌شناسی اجتماعی، از لحاظ پژوهش‌های صورت گرفته در مورد همبستگی داده‌های زبان‌شناختی و بافت‌های فرازبانی، بسیار غنی است؛ به‌ویژه در مورد همبستگی کنش‌زبانی و ویژگی‌های اجتماعی گویشوران. فرق عمده‌ای که بین پژوهش‌های اولیه و اخیر وجود دارد، این است که پژوهش‌های اخیر از روش‌های علمی نوین برای انجام تحقیق استفاده می‌کنند. موارد پایین چند نمونه از پژوهش‌های خارجی و داخلی صورت گرفته در مورد تعیین میزان همبستگی‌های اجتماعی در کنش‌زبانی گویشوران جوامع زبانی مختلف است.

۱-۲- پژوهش‌های انجام گرفته پیشین

یسپرسن از نخستین زبان‌شناسانی است که به پژوهش در زمینه همبستگی زبان و جنسیت می‌پردازد. وی با اشاره به وجود ناپایداری زبانی در برخی از جوامع غیرپیشرفته بیان می‌کند که زنان در چنین جوامعی، در بسیاری از موارد، اجازه به زبان آوردن بعضی از واژه‌ها و حتی برخی از اصوات را ندارند (یسپرسن، ۱۹۲۲: ۲۳۶-۲۵۴).

ولفرام از نخستین پژوهشگرانی است که با در نظر گرفتن متغیر اجتماعی سن در جامعه سیاهپوستان در دیترویت اظهار می‌کند که کاربرد صورت‌های زشت و ناپسند کلامی در دوران جوانی به اوج خود می‌رسد؛ به سخن دیگر، تظاهر ویژگی‌های غیر معتبر در گفتار گروه‌های سنی پائین‌تر به مراتب بیشتر از گروه‌های سنی بالاتر است (ولفرام، ۱۹۶۹: ۱۹۳).

ویلهم هومبلیت نیز به بررسی زبان از بعد اجتماعی آن پرداخته است. او معتقد است برای دست یافتن به فرهنگ هر ملتی، ابتدا باید به بررسی واژه‌های زبان آن پرداخت، زیرا این واژه‌ها هستند که دنیای پیرامون آنها را شکل می‌دهند (باطنی، ۱۳۸۱: ۶۸).

امیل دورکیم جامعه‌شناس مشهور فرانسوی هم زبان را امری اجتماعی معرفی کرده است و به آن جنبه نهادی داده است و حالات حاکم بر نهادهای اجتماعی را درباره زبان نیز صادق دانسته است (همان: ۷۰). آنتوان میه زبان‌شناس فرانسوی نیز در متون متعددی جنبه اجتماعی زبان را یادآور شده و آن را به‌عنوان واقعیتی اجتماعی تعریف کرده است (کالوه، ۱۳۷۹).

1. Jespersen

2. Wolfram

3. Calvet

کینان نیز به ارتباط میان زبان و جنسیت اشاره کرده است. او با بررسی رفتار زبانی ساکنان دهکده‌ای در مالاگاشی به این نتیجه رسیده است که زنان بیشتر تمایل دارند که به صورتی محتاطانه و غیرمستقیم صحبت کنند؛ در حالی که مردان، در گفتار خود، جملات امری و مستقیم بیشتری به کار می‌برند (واردهاف، ۱۹۸۶: ۳۱۱).

رابین لیکاف زبان‌شناس برجسته دیگری است که به بررسی رابطه بین زبان و جنسیت پرداخته است. او به گونه‌ای از زبان تحت عنوان زبان زنانه قائل شده است که در سه حوزه واژگان، نحو و تلفظ تفاوت‌هایی با زبان مردان دارد (لیکاف، ۱۹۷۳: ۴۹).

هادسن نیز در پژوهش‌های خود متغیر سن را مورد توجه قرار داده است. او معتقد است که برخی از صورت‌های زبانی خاص کودکان یک نسل است و ممکن است بزرگسالان حتی یک بار هم آن‌ها را به کار نبرند (هادسون، ۱۹۸۰: ۱۶).

سخن‌گرافی نیست اگر ادعا کنیم که زبان‌شناسی اجتماعی معاصر، رشد و توسعه خود را مدیون ویلیام لباو^۳ (۱۹۶۶) است. در واقع هیچ پژوهشگر دیگری به اندازه او در این رشته تأثیرگذار نبوده است. او با پایه‌گذاری سبک و شیوه‌ای نوین، راه را برای پژوهشگران بعدی هموار کرد. کاری که لباو انجام داد این بود که بر منطقه کوچکی از شهر نیویورک که محدوده‌ای مربوط به طبقه کارگری است، تمرکز کرد. او نزدیک به ۲۰۰ نفر را به عنوان نمونه‌ای از طبقه اجتماعی مورد پژوهش خود انتخاب کرد. لباو در مصاحبه‌هایی که با تک‌تک گویشوران منتخب خود به عمل آورد، آنها را در سلسله‌ای از فعالیت‌های زبانی شامل محاورات عامیانه، گفتار رسمی، خواندن متن و خواندن فهرستی از واژگان و جفت‌های کمینه با صدای بلند، شرکت داد. گفتار هر کدام از گویشوران شامل تعدادی از واج‌های مورد پژوهش بودند. به عنوان مثال، واج /r/ در «bird» و «floor»، واکه موجود در «pass» و «dance» و واکه موجود در «caught» و «dog».

نتایج به دست آمده توسط لباو مبین این واقعیت بود که نه تنها اعضای طبقات اجتماعی مختلف این آواها را به شیوه‌های مختلفی به کار می‌برند؛ بلکه این گوناگونی‌ها به طور نظام‌مندی با طبقات اجتماعی همبستگی دارند. در عین حال، با توجه به رسمیت گفتار، در هر کدام از طبقات مورد مطالعه، تغییرات آوایی مشاهده شد. همچنین، او به این نتیجه رسید که صورت‌های خاصی از آواهای مورد پژوهش، دارای اعتبار بیشتری تلقی می‌شوند و الگوهای دارای اعتبار بالا و پایین از نظر همه گویشوران یکسان بودند. یافته مهم دیگر این پژوهش آن بود که زنان در مقایسه با مردان به صحیح و بجا بودن گفتارشان توجه بیشتری نشان می‌دادند.

لباو در بخش دیگری از پژوهش خود در شهر نیویورک، طبقه‌بندی اجتماعی و سبکی /θ/ موجود در «thing» و «thick» را نشان داده است. سه گونه مختلف برای /θ/ وجود دارند یعنی /tθ/، /θ/ و /θ/. شکل استاندارد، /tθ/ دارای حالت بینابینی و /t/ دارای حالت کمترین استاندارد بودند. او همچنین به این

1. Lakoff
2. Hudson
3. William Labov

نتیجه رسید در گفتاری که با دقت ادا می‌شود، در مقایسه با مردان، زنان از گونه‌های ناپسند /t/ و /tθ/ کمتر استفاده می‌کنند و بیشتر از مردان به گونه دارای اعتبار /θ/ حساسیت نشان می‌دهند. همچنین، مشاهده شد که طبقات پایین اجتماع در مقایسه با طبقات بالاتر از صورت‌های به اصطلاح ناپسند، بیشتر استفاده می‌کنند. پیتر ترادگیل^۱ (۱۹۷۴) نیز پژوهشگر دیگری است که پژوهش خود را در شهر نورویچ^۲ انگلستان انجام داده است. پژوهش او شامل سه متغیر همخوان و ۱۳ متغیر واکه‌ای است. همخوان‌های مورد پژوهش عبارت بودند از /h/ در «happy»، /ŋ/ در «walking» و /t/ در «better». متغیرهای واکه‌ای هم واکه‌هایی هستند که در واژه‌هایی مثل «bad, name, path, tell, here, hair, risk, bird, top, know, boot» و «tune» وجود دارند. بسیاری از این همخوان‌ها و واکه‌ها، دارای بیش از دو گونه هستند. بنابراین هدف از انجام این پژوهش مشخص کردن متغیرهای دارای کمترین حالت استاندارد و بیشترین حالت استاندارد بوده است. ترادگیل به این نتیجه رسیده است که کاربرد گونه‌های مذکور به طبقات اجتماعی و میزان رسمیت گفتار بستگی زیادی دارد. او به‌طور مثال نشان داده است که اعضای طبقات اجتماعی بالاتر ترجیح می‌دهند بیشتر از گونه‌های /ŋ/، /t/ و /h/ استفاده کنند تا گونه‌های /n/، /?/ و /θ/. همچنین، در مورد /ŋ/ مشخص شد که کاربرد آن علاوه بر طبقه اجتماعی به جنسیت نیز بستگی دارد و خانم‌ها بیشتر از مردان ترجیح می‌دهند از /ŋ/ استفاده کنند.

ترادگیل با ثابت گرفتن متغیر سبک مشاهده کرد که هر چقدر طبقه اجتماعی پایین‌تر باشد، میزان کاربرد صورت‌های غیراستاندارد افزایش پیدا می‌کند و با ثابت انگاشتن طبقه اجتماعی، به این نتیجه رسید که هر چقدر سبک گفتاری رسمیت کمتری داشته باشد، میزان کاربرد گونه‌های غیراستاندارد بالاتر می‌رود. مدرسی (۱۳۹۱) نیز موضوع پایان‌نامه دکترای خود را به تحلیل زبان‌شناختی اجتماعی فارسی معاصر اختصاص داده است. او در بخشی از پژوهش خود همبستگی جنسیت با برخی از متغیرهای زبانی را مورد کنکاش قرار داده است. از جمله ویژگی‌های فارسی تهران که با جنسیت نوعی همبستگی کلی نشان می‌دهد، تظاهر دو واکه /a/ و /u/ در بافت پیش از همخوان‌های خیشومی است. در این بافت، تظاهر /u/ در سبک‌های غیررسمی ویژگی معتبر محسوب می‌شود اما در سبک‌های رسمی، گونه دیگر یعنی /a/ دارای اعتبار اجتماعی بیشتری است. بررسی رفتار زبانی فارسی‌زبانان تهرانی نشان می‌دهد که میزان نسبی تظاهر /a/ و /u/ در گفتار، با جنسیت گویندگان مرتبط است. الگوی کلی، نشان دهنده حساسیت بیشتر زنان در کاربرد ویژگی‌های زبانی معتبر است. او در بخش دیگری از پژوهش خود به بررسی همبستگی میان ویژگی‌های زبانی و سبک در فارسی تهرانی پرداخته است؛ نتایج این بررسی نیز نشان می‌دهد که میزان تظاهر برخی از ویژگی‌های زبانی با میزان توجه و دقتی که بر حسب موقعیت اجتماعی ارتباط، موضوع و غیره صرف گفتار می‌شود، ارتباط نزدیک دارد. به‌عنوان مثال، میزان تظاهر /u/ در بافت پیش از همخوان‌های

1. Peter Trudgill

2. Norwich

خیشومی با سبک‌های گفتاری به نحوی مرتبط است که در گونه‌های سبکی غیررسمی‌تر درصد کاربرد /u/ افزایش می‌یابد و در گونه‌های رسمی‌تر از میزان تظاهر آن کاسته می‌شود.

مدرسی به تأثیر تنوعات جغرافیایی بر بروز گوناگونی‌های زبانی نیز توجه نشان داده است. او میزان کمی تظاهر /æ/ پایانی در گفتار تعدادی از فارسی‌زبانان در دو شهر تهران و قزوین را اندازه‌گیری و مقایسه کرده است. مطابق این بررسی، در حالی که /æ/ پایانی در گفتار تهرانی‌ها مصاحبه شده اصولاً ظاهر نمی‌شود، در گفتار گویندگان قزوینی هنوز این ویژگی قابل مشاهده است و همین امر، سبب پیدایش تفاوت‌هایی میان گفتار قزوینی‌ها و تهرانی‌ها شده است. البته میزان نسبی تظاهر /æ/ پایانی در گفتار قزوینی‌های وابسته به گروه‌های سنی و تحصیلی مختلف و نیز در سبک‌های زبانی گوناگون، متفاوت است. به‌طور کلی می‌توان گفت که به واسطه اعتبار اجتماعی روند تبدیل /æ/ به /e/ در پایان واژه‌های فارسی (به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فارسی تهرانی)، گروه‌های تحصیل کرده‌تر و جوان‌تر قزوینی، به‌ویژه در موقعیت‌های اجتماعی رسمی‌تر، گرایش بیشتری به تلفظ /e/ پایانی نشان می‌دهند.

در بخش دیگری از پژوهش خود، مدرسی همبستگی میان درجات سنی و ویژگی‌های زبانی در فارسی را نیز مورد بررسی قرار داده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که ویژگی‌های غیرمعتبر فارسی در رفتار زبانی گروه‌های سنی پایین‌تر کاربرد بیشتری دارند و برعکس، ویژگی‌های معتبر در رفتار زبانی گروه‌های سنی بالاتر به‌طور نسبی بیشتر ظاهر می‌شوند. به‌عنوان مثال، حذف همخوان پایانی در خوشه‌های همخوانی پایان واژه‌های فارسی، ویژگی غیرمعتبر به‌شمار می‌آید؛ در واژه‌هایی مانند /mozd/، /pošt/، /dust/، /tond/ همخوان‌های /t/ و /d/ در خوشه‌های پایانی قابل حذف هستند و این گرایش به حذف، به‌ویژه در سبک‌های غیررسمی‌تر بیشتر است. مدرسی در بخش دیگری از پایان‌نامه خود، گفتار محاوره‌ای فارسی زبانان تهرانی با درجات تحصیلی مختلف را بررسی کرده است. این بررسی حاکی از آن است که میزان حذف /t/ و /d/ در خوشه‌های همخوانی پایانی، در گفتار گروه‌های تحصیلی بالاتر به‌طور نسبی کمتر است (مدرسی، ۱۳۹۱).

نویسندگان تحقیق حاضر نیز با الگو گرفتن از پژوهشگران مذکور، به انجام پژوهشی در مورد گویش ترکی قزوین در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی مبادرت کرده‌اند. در پژوهش حاضر به بررسی میزان تأثیر متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت بر تغییرات واجی پرداخته شده است. در بخش زیر، به معرفی شهر قزوین و جامعه گویشوران ترکی در این شهر می‌پردازیم.

۲-۲- قزوین، زبان‌های رایج در آن و موقعیت زبان ترکی

شهرستان قزوین با مساحت ۵۵۶۰۵ کیلومتر مربع، دارای ۴۵۳۵۵۴ نفر جمعیت می‌باشد و به بخش‌های کوهین، مرکزی، رودبار شهرستان، رودبار الموت، طارم سفلی تقسیم شده است. برپایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ خورشیدی، جمعیت استان قزوین در این سال بالغ بر ۱,۱۴۳,۲۰۰ نفر بوده که ۶/۲۱ درصد از جمعیت کل ایران را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس، ۵۸۳,۸۷۰ نفر مرد و

۵۵۹,۳۳۰ نفر زن ساکن این استان بوده‌اند. ترکیب قومی این استان شامل اقوام ترک، فارسی‌زبان، تات، مراغی، لر، لک، کرد، رومانو و غیره است. به لحاظ صنعتی نیز یکی از مراکز مهم صنعتی کشور محسوب می‌گردد. استقرار این استان در نزدیکی تهران و عامل ممنوعیت احداث صنایع در محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران، متقاضیان ساخت واحدهای صنعتی را به سرمایه‌گذاری در این استان ترغیب کرده است. این استان در زمینه دامپروری و پرورش طیور نیز از موقعیتی با اهمیت و ممتاز برخوردار می‌باشد.

زبان‌شناس ترک قرن پنجم هجری، محمود کاشغری، در کتاب معروف خود، دیوان لغات‌الترک، بعد از اشاره به بنای قزوین توسط دختر افراسیاب خاقان ترک می‌نویسد: بسیاری از ترکان، قزوین را از شهرهای مرزی سرزمین ترکان می‌دانند (کاشغری، ۱۳۸۴: ۵۰۲).

متأسفانه تاکنون هیچ مطالعه و پژوهش جامعی در زمینه زبان‌ها و گویش‌های موجود در منطقه قزوین و تعیین گستره جغرافیایی آنها ارائه نگردیده است.

تقریباً تمامی روستاهای نواحی جنوب، شرق و غرب قزوین (از ناحیه شمال نیز روستاهای کوهپایه و نیز روستاهای پراکنده در کوهستان) غالباً ترک بوده و به زبان ترکی تکلم می‌کنند. البته هر چند بین این گویش و «گویش تبریزی» تفاوت‌های لهجه‌ای و گاهی نیز تفاوت‌های واژگانی و نحوی مشاهده می‌گردد. اما گویشوران هر دو گویش به راحتی با هم ارتباط زبانی برقرار می‌کنند. در واقع این گویش، گویشی از زبان ترکی آذربایجانی است. همچنان که ترکی اردبیلی و ترکی مراغه‌ای نیز گویش‌هایی از همین زبان هستند.

در کتاب مینودر نیز اشاره‌ای به پیشینه زبان مردم شهر قزوین شده است. از لابه‌لای سطور کتاب این طور فهمیده می‌شود که نویسنده نیز به کتاب یا سند علمی و معتبری در خصوص پیشینه زبان مردم قزوین دست نیافته است. نگارنده می‌نویسد: مردم قزوین در اصل آریایی و از خاندان دیلم بوده‌اند، بعدها به واسطه آمیزش با تازیان و اتراک و مغول تغییراتی در آنها پیدا شده است (گلریز، ۱۳۶۸: ۳۳۹).

به دنبال آن نیز می‌افزاید: زبان آنها (قزوینیان) نیز مانند زبان دیلم بوده؛ یعنی همچون مردم رودبار و الموت کنونی گفتگو می‌کردند.

و در ادامه خاطر نشان می‌سازد: این مردم هنوز هم زبان اجدای خود را تا اندازه‌ای نگهداری کرده‌اند؛ چنان‌که در قسمت‌های شمالی مانند الموت و رودبار و طالقان و غیره، همچنین، در جنوب در سراسر کوه رامند زبان پهلوی شایع و رایج است. حتی اهالی شهر قزوین تا حمله مغول به زبان پهلوی گفتگو می‌کرده‌اند. البته در طی سه قرن تسلط بیگانه که مردم بومی ناگزیر بودند با آنها ارتباط داشته باشند و معاشرت کنند به تدریج آن زبان فراموش شده و فارسی کنونی جانشین آن گردیده است. در بعضی نقاط هم زبان اجنبی غلبه کرده و جای فارسی را گرفته است.

و با توضیحات بیشتر می‌افزاید: پس از استیلای اتراک سلجوقی، چون پادشاهان این سلسه هر ناحیه یا استانی را به یکی از امرا سیورغال یا تیول می‌دادند. آنها نیز طوایف و ایل خود را در دهات آن ناحیه یا دهستان مستقر می‌کردند و چون غالب بودند البته به زور، بهترین قسمت‌های آباد و حاصل‌خیز آن منطقه سیورغال را متصرف می‌شدند و چون مردم بومی ناگزیر از معاشرت و دادوستد با آنها بودند و آنان به زبان

محلی‌اشنایی نداشتند، کم‌کم زبان مردم بسیاری از قسمت‌های این مملکت (قزوین) به حکم ضرورت و اجبار به ترکی تبدیل شد.

و در پایان گوشزد می‌نماید: مردم نقاطی که بیشتر در سر راه مهاجمان قرار داشتند یا در تیول آنها بودند یا با آنها تماس دائمی داشتند، تدریجاً زبان مادری خود را فراموش نمودند.

و به‌عنوان نتیجه‌گیری و مرزبندی زبانی - لهجه‌ای مردم هم عصر خود این گونه می‌نویسد: در خود شهر نیز قسمت شمالی و غربی یعنی محلات دربکوشک و شیخ‌آباد و گوسفند میدان (قویون میدان) و قملاق و دیمج که بیشتر جایگاه اتراک و نیز توقف‌گاه امرا و درباریان و خدمه و مأموران دربار صفویه بوده است؛ به مناسبت معاشرت و مراوده دائمی، اکثراً ترکی حرف می‌زنند. در صورتی که مردم محلات شرقی و جنوبی و مرکزی یعنی پنبه‌ریسه و راه چمان و راه ری و خندقبار و مغلاوک و آخوند و سکنه شریحان و خیابان که کمتر با مأموران و درباریان تماس داشته‌اند؛ اکثراً ترکی را نمی‌فهمند و یا نمی‌توانند گفتگو کنند (کلریز، ۱۳۶۸: ۳۴۱).

بخشی از زبان‌شناسی اجتماعی به پژوهش در مورد ویژگی‌های زبان‌شناختی گفتار گویشوران در بافت اجتماعی آن می‌پردازد. تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی بدون آگاهی از قواعد مربوط به تغییرات زبانی به همان میزان سطحی و بی‌مورد است که توضیح رفتار انسان‌ها بدون دانش روان‌شناختی (فیشمن، ۱۹۷۱). با توجه به مطالعات انجام گرفته، واژه‌هایی که از زبان قرض دهنده وارد زبان قرض گیرنده می‌شوند، همانند واژه بومی و براساس نظام آوایی زبان قرض گیرنده تلفظ می‌شوند. در مورد زبان ترکی هم، گرایش غالب به همین صورت است. گویشوران دو زبانه ترکی و فارسی با وجود آشنایی به زبان فارسی، اکثر واژه‌های قرضی را براساس ویژگی‌ها و قواعد واجی زبان ترکی تلفظ می‌کنند که در این صورت واژه‌های قرضی فارسی و عربی-فارسی دچار تغییر و تبدیل می‌شوند تا با نظام آوایی زبان ترکی منطبق شوند. زبان ترکی با وجود داشتن معادل، به دلایل مختلف (اعتبار، پر کردن خلاء فرهنگی و غیره) به قرض‌گیری از زبان‌های دیگر دست می‌زند و تغییر تلفظی لازم را در آن به‌وجود می‌آورد. بنابراین، وجود تغییر در واژه‌های جدید، شاهی است برای تغییرات واژگان قدیمی و تلفظ آنها (محمدی، ۱۳۸۴: ۷).

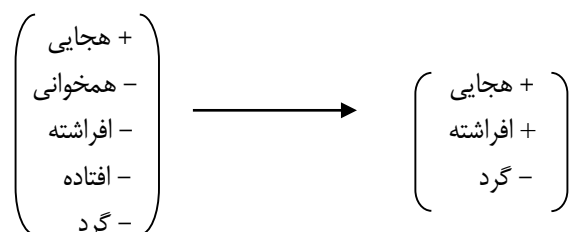
اخیراً مشاهده می‌شود که به دلیل تبعات ناشی از تداخل زبانی و اعتبار اجتماعی زبان فارسی، جوانان و نوجوانان و افراد تحصیل کرده‌ای که گویشور زبان ترکی هستند، واژگان قرضی عربی-فارسی را بدون رعایت کامل نظام آوایی زبان ترکی و با توجه به قواعد واجی زبان فارسی تلفظ می‌کنند. برای بررسی و تعیین میزان وقوع این پدیده زبان‌شناختی اجتماعی و الگوهای حاکم بر آن از میان فرایندهای واجی ترکی به پژوهش در مورد چهار متغیر آوایی موجود در فرایند جایگزینی آوایی پرداخته شده است. دو مورد از متغیرها مربوط به جایگزینی واکه‌ها و دو مورد دیگر مربوط به جایگزینی همخوان‌ها هستند.

۳-۲- متغیرهای واجی-آوایی مورد پژوهش

۱-۳-۲ جایگزینی واکه‌ها

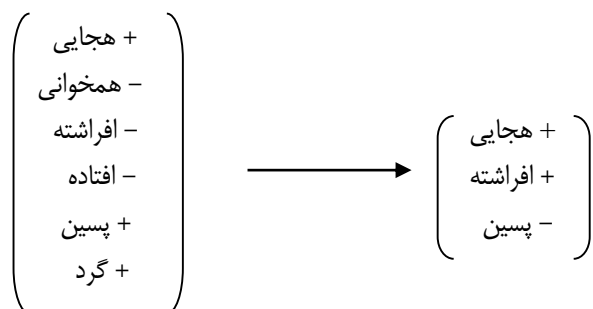
- واکه /e/ در واژه‌های قرضی در زبان ترکی آذربایجانی افراشته می‌شود و تبدیل به واکه افراشته /i/ می‌گردد.

/e/ → /i/
 /melæ/ → /milæ/
 /sefæt/ → /sifæt/
 /telesm/ → /tilism/



- واکه پسین /o/ در واژه‌های قرضی در ترکی آذربایجانی پیشین می‌شود و تبدیل به واکه /ü/ پیشین و افراشته می‌گردد.

/o/ → /ü/
 /mosbæt/ → /müsbæt/
 /bot/ → /büt/
 /hosejn/ → /hüsejn/



۲-۳-۲ جایگزینی همخوان‌ها

- همخوان نرم‌کامی و پسین /k/ در واژه‌های قرضی در ترکی آذربایجانی به همخوان کامی و غیرپسین /ç/ تبدیل می‌شود.

/k/ → /ç/

/kohne/ → /cöhnæ/
 /koduræt/ → /cüduræt/
 /kar/ → /çar/

• همخوان ملازی و غیر افراشته /q/ در واژه‌های قرضی در ترکی آذربایجانی به همخوان نرمکامی و افراشته /g/ تبدیل می‌شود.

/q/ → /g/
 /qader/ → /gadir/
 /moqajese/ → /mügajisæ/
 /tæqdir/ → /tægdir/

۳- روش پژوهش

در این تحقیق از روش‌ها و ابزارهای زیر جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم استفاده شده است. در بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد گویش ترکی قزوین در موقعیت‌های کلامی مختلف و تبیین الگوهای زبان‌شناختی اجتماعی آن از روش مصاحبه استفاده شده است. اگرچه در تحقیقات همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر پیشنهاد شده است (دلاور، ۱۳۸۴: ۹۷) اما در پژوهش حاضر برای افزایش اعتبار نتایج تحقیق، حجم نمونه به ۷۲ نفر افزایش یافت. نمونه ۷۲ نفری مذکور از بین ۵۷۶ نفر اولیه انتخاب شدند. معیار حذف بقیه افراد، عدم سکونت داشتن در تمام زندگی در قزوین و گویشور زبان ترکی نبودن یکی از والدین آنها بوده است. این افراد به ۴ گروه سنی تقسیم‌بندی شدند. گویشوران مورد مطالعه از بین سطوح سنی ۱۲-، ۱۹، ۲۰-۳۵، ۳۶-۵۰، ۵۱- ... انتخاب شدند. گویشوران منتخب با توجه به میزان تحصیلات نیز به پنج سطح دانشگاهی، ۱۰-۱۲، ۷-۹، ۳-۵ و بی‌سواد تقسیم شدند.

گویشوران به‌طور مساوی از بین جنسیت‌های مذکر و مؤنث انتخاب شده‌اند. با گویشوران در چهار موقعیت کلامی مختلف (رسمی، غیررسمی، خواندن متن و فهرست واژگان) مصاحبه به عمل آمد. از بین متغیرهای متعدد ترکی قزوین، چهار متغیر واجی /i/، /ü/، /g/ و /c/ بررسی شدند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از الگوی به‌کار رفته توسط لباو استفاده شد. در الگوی مذکور پژوهشگر از موادی بهره گرفته است که سبب ایجاد چهار گونه مختلف از کاربرد سبک‌های زبانی می‌شود. این الگو شامل پیوستاری است که از رسمی‌ترین سبک تا غیررسمی‌ترین آن امتداد دارد.

شکل ۱: پیوستار سبک‌های مختلف کاربرد زبانی (برگرفته از کاظمی، ۱۹۹۶: ۴۴)



تفاوتی که این پیوستار با الگوی لبو دارد در این است که در پیوستار لبو سبک جفت‌های کمینه نیز وجود دارد که به دلیل غیرکاربردی بودن این بخش از پیوستار در جمع‌آوری اطلاعات در گویش ترکی قزوین در نظر گرفته نشد.

پژوهشگر سؤالاتی را طراحی نمود تا با قرار دادن گویشوران در موقعیت احساسی و بیان داستان بتواند از گفتار غیررسمی آنان به جمع‌آوری داده بپردازد. برای نیل به این هدف از گویشوران خواسته شد که داستانی را تعریف کنند یا خاطرات گذشته خود را بازگویی نمایند.

پژوهشگر برای به‌دست آوردن داده‌های لازم در مورد گفتار رسمی گویشوران نیز سؤالاتی را مطرح کرد که پاسخ به آنها مستلزم کاربرد صورت رسمی زبانی است. از گویشوران خواسته شد که عقیده خودشان را درباره «نقش آموزش و تحصیلات در پیشرفت جامعه» و «لزوم به‌کارگیری روش‌های روزآمد در بهبود وضع بهداشت در جامعه»، «فواید و مزایای رسیدن به خودکفایی در زمینه انرژی هسته‌ای» و مواردی از این دست بیان کنند. از آنجا که ممکن بود در گفتار غیررسمی گویشوران متغیرهای واجی مورد نظر به کار نرفته باشد، ۲۰ سؤال که پاسخ آنها یک کلمه‌ای بود از گویشوران پرسیده شد تا نقیصه ذکر شده رفع شود.

برای به‌دست آوردن داده‌های مورد نیاز از سبک خواندن متن هم، متنی آماده شد که شامل ۲۴۰ کلمه بود. در متن تهیه شده کلماتی وجود داشتند که حاوی متغیرهای واجی مورد پژوهش بودند. برای تهیه فهرست واژگان هم علاوه بر کلمات دارای متغیرهای واجی مورد پژوهش که از متن طراحی شده استخراج شده بودند، کلمات دیگری هم اضافه شدند؛ تا مقدار کلمات موجود در فهرست واژگان به حد کفایت برسد.

مسئله خیلی مهم دیگری که باید ذکر کرد این است که گفتار غیررسمی‌ای که با استفاده از مصاحبه از گویشوران به‌دست می‌آید کاملاً طبیعی و بومی نیست چرا که هر گونه توجه و نظارت نزدیک بر گفتار گویشوران باعث رسمی‌تر شدن گفتار آنان می‌شود. به این پدیده تناقض مشاهده‌گر گفته می‌شود (واردهدف، ۱۹۸۶: ۱۹).

در پژوهش حاضر به بررسی میزان تأثیر متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت بر تغییرات واجی پرداخته شده است.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- متغیر سن

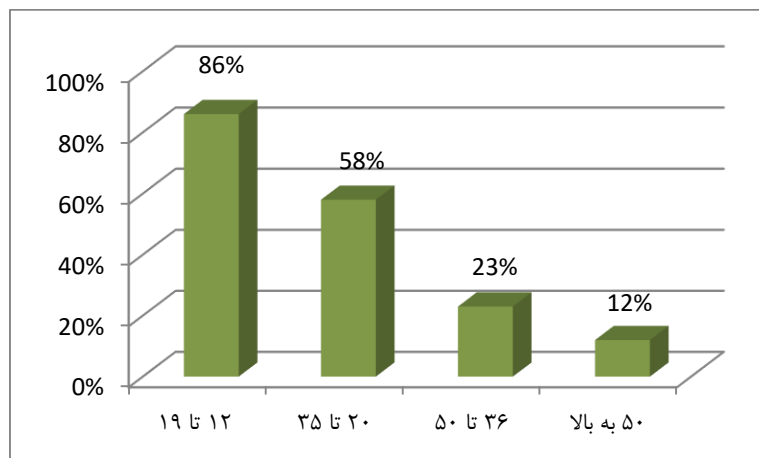
سن از عوامل اجتماعی است که در پیدایش تنوعات زبانی جامعه نقش عمده‌ای دارد. اگر چه سن در اساس جنبه‌ای زیست‌شناختی دارد، در هر صورت، عاملی اجتماعی نیز محسوب می‌شود. به‌طور کلی، اعضای یک جامعه زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی از جمله آنهاست (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۹۷). در جامعه گویشوران زبان ترکی شهر قزوین نیز عامل اجتماعی سن نقش مهمی در تغییرات واجی ایفا می‌کند. تجزیه و تحلیل‌های به‌عمل آمده در این زمینه نشانگر آن است که میزان تغییرات

واجی به‌وجود آمده در گروه‌های سنی پایین‌تر افزایش پیدا می‌کند، در حالی‌که اشخاص مسن به قواعد واجی زبان ترکی پایبندترند.

جدول ۱: درصد تغییرات واجی در چهار گروه سنی

گروه‌های سنی	درصد
۱۲ تا ۱۹ سال	۸۶
۲۰ تا ۳۵ سال	۵۸
۳۶ تا ۵۰ سال	۲۳
۵۱ سال به بالا	۱۲

با توجه به جدول فوق، در گروه سنی ۵۱ سال به بالا کمترین تغییرات واجی مشاهده می‌شود؛ در حالی‌که در گروه سنی ۱۲ تا ۱۹ سال، بیشترین تغییرات واجی دیده می‌شود. این جدول نشان می‌دهد که متغیر اجتماعی سن در تغییرات واجی به‌وجود آمده در گویش ترکی قزوین عامل تعیین‌کننده‌ای محسوب می‌شود. نمودار آن را می‌توان به شکل زیر ارائه نمود:



نمودار ۱: درصد تغییرات واجی در چهار گروه سنی

۴-۲- متغیر جنسیت

در مباحث اجتماعی زبان، مانند بسیاری از پژوهش‌های علوم اجتماعی، تأکید بیشتر بر جنسیت است تا جنس، زیرا جنسیت مقوله‌ای اجتماعی- فرهنگی است در حالی‌که جنس جنبه‌ی زیست‌شناختی و اندامی دارد. تمایزهای جنسیتی بیشتر با نقش‌های اجتماعی زنان و مردان مرتبط است و از این رو، تفاوت در نقش‌های

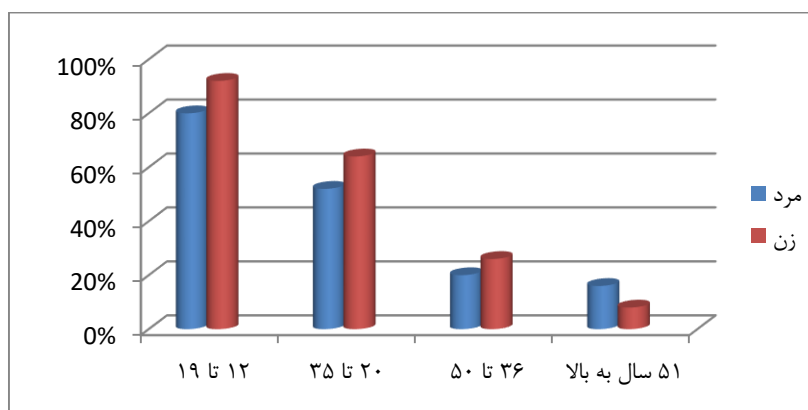
اجتماعی دو جنس، تفاوت در رفتارهای اجتماعی و از جمله رفتار زبانی آنان را در پی دارد (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

در جامعه گویشوران زبان ترکی قزوین، متغیر اجتماعی جنسیت در میزان تغییرات واجی در گروه سنی بالای ۵۱ سال نقشی ندارد. در حالی که در گروه‌های سنی پایین‌تر، مثل ۲۰ تا ۳۵ سال و ۱۲ تا ۱۹ سال نقش این متغیر در بروز تغییرات چشمگیرتر است. به این صورت که میزان تغییرات در گروه‌های سنی پایین‌تر، در زنان افزایش یافته است و این موضوع نشان‌دهنده تمایل کمتر زنان گویشور ترکی قزوین بر پابندی به نظام واجی زبان ترکی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مردان گروه‌های سنی ذکر شده، بیشتر از زنان به نظام واجی زبان ترکی پابند هستند.

جدول ۲: درصد تغییرات واجی در چهار گروه سنی با توجه به متغیر جنسیت

گروه‌های سنی	درصد زنان	درصد مردان
۱۲ تا ۱۹ سال	۹۲	۸۰
۲۰ تا ۳۵ سال	۶۴	۵۲
۳۶ تا ۵۰ سال	۲۶	۲۰
۵۱ سال به بالا	۱۱	۱۳

جدول بالا نشان می‌دهد که تغییرات واجی در گروه ۵۱ سال به بالا در زنان ۲ درصد کمتر از مردان است. به عبارت دیگر، تغییرات واجی مشاهده شده در گفتار مردان گویشور ۱۳ درصد و در زنان ۱۱ درصد است. در گروه سنی ۳۶ تا ۵۰ سال نیز تغییرات واجی مشاهده شده در زنان، بیشتر از مردان است؛ هر چند تفاوتی که به دست آمده است صرفاً ۶ درصد است. اما در گروه‌های سنی پایین‌تر این نسبت افزایش می‌یابد.



نمودار ۲: درصد تغییرات واجی در چهار گروه سنی با توجه به متغیر جنسیت

موضوع قابل‌ذکری که وجود دارد این است که در همه گروه‌های سنی به جز گروه سنی ۵۱ سال به بالا، تغییرات واجی ثبت شده در گفتار گویشوران زن بیشتر از مردان است؛ اما در گروه مذکور این نسبت بر عکس است. این مسأله را به این صورت می‌توان تبیین کرد که زنان گویشور ۵۱ سال به بالا، ارتباط کمتری با جامعه گویشوران زبان معیار دارند؛ در حالی که مردان به دلیل اقتضای شغلی و مسائل دیگر، ارتباط بیشتری با گویشوران زبان‌های دیگر دارند و نتیجتاً، تغییرات واجی به‌وجود آمده در گویش این مردان بیشتر از زنان است.

۵- نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر حاکی از تأثیرگذاری متغیرهای اجتماعی جنسیت و سن در گوناگونی‌های زبانی و تغییرات واجی در گویش ترکی قزوین است.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که عامل اجتماعی جنسیت در تغییرات واجی گویشوران ترکی قزوین مؤثر است؛ اما این تأثیر بسیار ناچیز است. به‌ویژه در گروه سنی بالای ۵۱ سال، این تفاوت خیلی کم است. در گروه‌های سنی پایین‌تر، متغیر اجتماعی جنسیت تأثیرگذاری بیشتری دارد. به‌عبارت دیگر، در رفتار زبانی مردان در مقایسه با زنان، تغییرات واجی کمتری مشاهده می‌شود. در حالی که، زنان تمایل بیشتری به تغییرات واجی از خود نشان می‌دهند.

متغیر اجتماعی سن، اهمیت بیشتری در بروز تغییرات واجی داراست. به عبارت دیگر، با کاهش سن، تغییرات واجی در این گویش ترکی افزایش می‌یابد. مشاهدات پژوهش حاضر حاکی از آن است که کاهش سن بر صرف و نحو این گویش و حتی میزان کاربرد این گویش در موقعیت‌های زبانی مختلف نیز تأثیرگذار است.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین*، تهران: آگاه.
- دلاور، علی (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، انتشارات ویرایش، چاپ هفدهم.
- کاشغری، محمود (۱۳۸۴). *دیوان لغات‌الترک*، نشر اختر.
- کالوه، لویی ژان (۱۳۷۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان
- گلریز، سید محمد علی (۱۳۶۸). *مینودر*، انتشارات طه.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمودی، بتول (۱۳۸۴). «تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری ترک‌زبانان تبریز». *زبان و زبان‌شناسی* (۱): ۱-۷.

— هیئت، جواد (۱۳۸۰). تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، نشر نو.

- Fishman, J.A. (1971). *The Sociology of Language. An Interdisciplinary Social Science Approach to Language in Society*. The Hague: Mouton.
- Fishman, J.A. (1972). *Advances in the Sociology of Language*. The Hague: Mouton.
- Giglioly, P.P. (1972). *Language and Social Context*. London: Cox and Wyman Ltd.
- Hudson, R. (1980). *Sociolinguistics*, London: Cambridge University press.
- Jespersen, O. (1922). *Language: It's nature, development and origin*, London: George Allen and Uwhin.
- Kazemi, Ali. (1996). *The Sociolinguistic Study of Spoken Qashqai Turkish*. M.A. Thesis, Tarbiat Modarres University.
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington D.C. : Center for Applied Linguistics
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lakoff, R. (1973). *The logic of politeness: Minding your psqs*, Chicago linguistics society.
- Trudgill, P. (1974). *The Social Differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R. (1986). *An Introduction to Sociolinguistics*. London: Basil Blackwell.
- Wolfram, W. (1969). *A Sociolinguistics is description of Detroit Negro speech*, Washington D.C: Center for applied linguistics.